



۲۰۱۵/۰۲/۱۳

داؤد موسی

تاجیک یا تاجک؟

چند روز پیش، خاکه توافق نامه بی را به من سپردند که در عنوان آن نام "تاجیکستان" به نظر می خورد. من در ضمن نظر دهی بر جزوه مذکور، نام "تاجیکستان" را به "تاجکستان" عوض کرده بودم. دیری نگذشت که یک دوست تاجک تبار - و به گمان اغلب "افغانستانی"، به من تلفون کرده و گفت که "تاجکستان برای چی؟" گفتم من نه تنها به تغییر نام تاجکستان اقرار می کنم، بلکه نام "اوزبیک" و "قرغیز" را نیز در متن توافق نامه به "ازبک" و "قرغز" بر گردانده ام. بسیار بر افروخته شد و ارتباط تلفون را قبل از این که به من مجال تشریحات ذیل را داده باشد، قطع کرد.

حالا که این موضوع نیز شکل سیاسی را به خود گرفته است، خواستم تا سائقه خود را درین عمل با شما خوانندگان در میان بگذارم:

این که یک قوم یا ملتی، ملت یا کشور دیگری را به نام غیر از آنچه خود شان برای خود گذاشته اند، یاد بکند، کدام بدعتی ندارد. بصورت مثال اگر نام "انگلیس" را در نظر بگیریم. این مردم خود را بنام "انگلش" یا "بریتش" نامیده و کشور خود را "انگلند" یا "بریتین" می گویند. اما ما این ها را با نام "انگلیس"، "انگریز" و "انگلستان"، پشتون های آن سوی خط دیورند بنام "پیگرنگی" و مردم نیم قاره از قرنها به این سو انگلیس ها را بنام "گوره" و کشور شان را "ولایت" خوانده اند. کلمه "دیسی" و "ولایتی" نیز از همین جا سر چشمه دارد و "دیسی" به معنی وطنی میباشد. کشور "هنگری" را ما "مجارستان" میگوییم، "پولند" را ایرنیا "لهستان" نامیده اند. ایرنیا کشور و مردم انگلستان هر دو را "انگلیس" و فرانسویان انگلستان را "انگلوتیغ" می گویند. آیا جا دارد که قوم انگلیس علیه این اقوام دیگر به دلیل اهانت بنام شان سلاح بردارد؟

خود فرانسه را جرمن ها بنام "فرانک رایش" می شناسند در حالیکه همین جرمن ها خود را "دویچ" و کشور خود را "دویچلند" و یونان را "گریشلند"، اتریش را "اوسته رایش" می خوانند. ولی روس ها جرمن ها را "نیمیتز" و زبان شان را "نیمیتزسکی" می گویند. کشور "بلژیک" را تقریباً تمام دنیا "بلجیم" می گوید. به همین منوال می شود اگر صدها مثال در دست نباشد، ده ها مثال بیاوریم.

اذعان باید نمود که بعضاً یک دولت تصمیم به تبدیل نام خود یا برخی از قلمرو خود را به جهانیان اعلان می نماید. مثلاً از "پیکینگ" به "بیجینگ"، از "برما" به "میانمار" و از "رودیشیا" به "زیمبابوی". یا از "ان. دلبلیو. اف. پی" به "خیبر پختونخوا"، از "بمبئی" به "مومبای"، از "مدراس" به "چنای" و غیره. اما در مورد تغییر نام کشور های آسیای مرکزی من کدام اعلامیه جهانی نشنیده ام، و اگر هم وجود داشته باشد، برای من تازگی دارد.

نکته مهم اینست که نامی که ما بر یک قوم یا کشور دیگری می گذاریم صبغه توهین نداشته باشد. مثال القاب مؤهن این که در انگلستان پاکستانی ها را "پاکی" می خوانند. امریکانیان مردم مکسیکو را "وت بک" یا (تر پشت) می نامند.

مراد ازین تسمیه این است که بین ایالت تکزاس در امریکا و شمال کشور مکسیکو دریایی وجود دارد به نام "ریو گراندی" و مردم مکسیکو که قاجاقی ازین دریا می گذشتند، طبعاً که تر می شدند. در مقابل، مکسیکی ها امریکانیان را "گرینگو" می نامند. در چند قرن پیش که مهاجرت از دنیای قدیم به امریکا اوج گرفته بود، مردم امریکا ایتالیویان را "گیمی"، یهودان را "کایک" و سیاه پوستان را "نیگر" می گفتند که هر چهار لقب فوق الذکر در کلتور امروزی شان بسیار مؤهن و غیر مقبول است. در واقع، لفظ "گوره" که در بالا ذکر کردم نیز یک ریشه "کم آوری" دارد. به این معنی که اگر به میناتور های قدیم هند نظری انداخته باشیم، می بینیم که مردان را همواره سیاه پوست و زنان را با پوست سفید تمثیل نموده اند. این برای آن که در کلتور قدیم هند همین دو صفت خاصه مرد و زن زیبا روی

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

شمرده می شد که اولی را "سانوریا" و دومی را "گوری" می گفتند. عکس آن نیز بد شمرده می شد^(۱). وقتی مردان انگلیس با چهره های سفید خود من حیث یک قدرت استعماری وارد نیم قاره هند گردیدند، مردم هند از روی بدبینی برای شان لقب "گوره" را دادند.

به یاد دارم که چند سال قبل در ضمن یک هیأت تجارتي افغانی - که در رکاب وزیر تجارت وقت به هند سفر نموده بود، من هم مشمول بودم. در دعوتی که وزیر تجارت هند برای هیأت ما ترتیب نموده بود، از قضاء که بنده نیز من حیث ترجمان روی میز شان نشسته بودم. در ضمن صحبت، سخن از موضوع همین نوشته من شد و وزیر صاحب به من گفت "برایش بگوئید که ما در افغانستان هندی ها را بنام دال خور یاد می کنیم." اما من به امید اینکه خداوند در روز جزاء از عقوبتم خواهد گذشت، در وظیفه محوله خیانت کردم.

باید گفت که یک نام می تواند در عین حالی که در جاهای دیگر به صورت عادی بکار برود، در موارد خاص شکل توهین آمیزی را به خود بگیرد. مثلاً اگر در مقام قهر و ملامت به کسی "اولاد انگریز" یا "اولاد روس" خطاب کرده باشیم. در کندهار یکی ازین صفات توهین آمیز "د ارنووت زو" (یا زویه) می باشد که نمی دانم این نام - که مربوط یک قومی در البانیه می باشد، از کدام راه به کشور ما رخنه کرده است.

در مورد لفظ "تاجک" آنچه که گفته می توانیم اینست که از کوهستان و پنجشیر گرفته تا مناطق شمال هندوکش همگی خود را "تاجک" می گویند و نه "تاجیک".

در خانه من دو نفر از اهل اندراب وجود دارد که خود را "تاجک" می خوانند. حتی بعض شان لفظ "تاجک" را "تاجک" یعنی با ضمه حرف جیم تلفظ می کنند. اگر هم نام "تاجیک" در شمال دریای آمو مروج باشد، کار خود شانسست.

پس روی آن چه که گفته آمد، کار برد نام های "تاجک"، "ازبک" و "قرغز" در زبان های افغانستان کدام وجهه توهینی نداشته، بلکه صرف بر سبیل تکرار آنچه که از نسل های پیشین به ما مانده است بوده می تواند و بس. الله یأور.

۱- امروز بر خلاف رسم قدیم، ادویه سفید ساختن پوست مردان در بازار هند میلیون ها خریدار دارد. این هم نمونه دیگری از استعمار فرهنگی غرب در منطقه از طریق رسانه ها بشمار می رود.